



اخلاق ناصری و روایت خواجه از اخلاق

اخلاق ناصری یکی از مهم‌ترین رساله‌های حکمت عملی در دوره اسلامی است که خواجه نصیر طوسی در سال ۶۳۳ هجری قمری نوشتن آن را به پایان رساند.

خبرگزاری مهر- اخلاق ناصری یکی از مهم‌ترین رساله‌های حکمت عملی در دوره اسلامی است که خواجه نصیر طوسی در سال ۶۳۳ هجری قمری نوشتن آن را به پایان رساند. این کتاب از مشهورترین نوشته‌های خواجه نصیر، یکی از دو کتاب نوشته شده بنا به خواست حاکم شیعه (به همراه اخلاق جلالی) در باب حکمت عملی و نخستین اثر فارسی زبان مهم در باب مذکور است که مطالب آن مبتنی بر تلفیق دیدگاه فلسفی و علمی یونان و دیدگاه اسلامی درباره انسان، خانواده و جامعه است.

اخلاق ناصری در باب اخلاق فردی، تدبیر منزل (رفتار در محیط خانه و اداره زندگی) و سیاست مدن (به تعبیر امروزی علوم سیاسی) نگاشته شده است. باب اول آن، خلاصه‌ای از رساله عربی تهذیب‌الاخلاق یا الطهارة اثر ابن مسکویه است.

خواجه نصیر در اخلاق ناصری تابع ارسطوست و مطالب بسیاری را به صورت نقل قول یا به صورت نقل به مضمون، از ارسطو ذکر کرده است، البته خواجه نصیر از ارسطو نقل‌قول‌هایی کرده که در اخلاق نیکوماخوس وجود ندارد.

یکی از عمده‌ترین نکات افتراق میان ارسطو و خواجه نصیر درباره سعادت این است که ارسطو معتقد است عقل سلیم نمی‌پذیرد که انسان اعتدال را رعایت کند و دنبال فضایل برود، کمال‌طلب و سعادت‌طلب باشد و در تمام افعال خود، اخلاق انسانی را رعایت کند و در این دنیا به سعادت مطلق نرسد؛ اینجاست که بزرگ‌ترین نکته اختلاف بین ارسطو و خواجه رخ می‌نماید.

خواجه مسلمان است و سعادت را آخرت می‌بیند و بر آن است که همه این مقدمات و اخلاق و کسب فضایل برای سعادت اخروی است و انسان در دنیا به سعادت و خیر مطلق نخواهد رسید. ارسطو معتقد است همین سعادت دنیوی، مدارج و مراتبی دارد و به قدر سعی انسان حاصل می‌شود تا به اقصی مرتبه خود دست یابد و البته انسان می‌تواند در همین دنیا نیز سعید تام شود.

به عقیده خواجه، فضیلت روحانی نصیب کسانی می‌شود که از جسم - که در آن مشارکت با بهائم دارند- بگذرند و تنها چیزی که انسان‌ها را از جانداران دیگر تفکیک می‌کند، همین فضایل اخلاقی است که پس از متلاشی شدن جسم نیز همچنان به کمال خود باقی است و انسان اگر سعادت را به دست بیاورد، با همین جسم دنیوی، کمال بیشتری دارد.

یکی دیگر از اختلافات بین خواجه و ارسطو آن است که ارسطو سعادت را در باب سیاست بحث کرده و خواجه آن را در بخش حکمت عملی گنجانده است.

همچنین درباره #171؛ آموختنی بودن سعادت بین ایشان اختلاف است؛ خواجه معتقد است اخلاق جمهور را در جامعه می‌توان تربیت کرد، اما ارسطو آن را اکتسابی می‌داند و معتقد است در همین دنیا باید آن را کسب کرد.